بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

ورد خارج فقه استبراء حیوان نجاستخوار جلسه1....28/2/1400

( مطهرات - استبراء حیوان نجاست خوار - اختصاص داره به عذره انسان - کیفیت استبراء )

امر سوم در بحث قبلی مطرح شد که حیوان نجاستخوار حیوانی است که اکثر غذایش را عذره انسان قرار بدهد دلیل ما روایات است ، یکی از آن روایات مرسله است ، عن موسى ابن أكيل عن بعض أصحابه عن أبي جعفر عليه السلام في شاة شربت بولا ثم ذبحت قال: فقال علیه السلام یغسل ما في جوفها ثم لا بأس به. وكذلك إذا اعتلفت بالعذرة ما لم تكن جلالة والجلالة التي يكون ذلك غذاها. وسایل ج ۱۶ ص ۳۵۲ ح ۲ کتاب اطعمه باب ۲۴

از ظاهر این حدیث پیداست که منظور از غذره ، غائط انسان است و اگر کسی این ظاهر را قبول نکند لااقل قائل به انصراف می شود چون عذره در روایات انصراف به عذره آنسان دارد خصوصا که در روایت عبد الرحمان از امام صادق علیه السلام ، عذره مقید به انسان شده و معلوم می شود که به فضولات سایر حیوانات عذره نمی گویند

روایت : عن فضالة، عن أبان، عن عبد الرحمان بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يصلي وفي ثوبه عذرة من إنسان أو سنور أو كلب، أيعيد صلاته؟ قال: إن كان لم يعلم فلا يعيد .

از این کلمه من انسان که اورده و بعد از آن فرمود من سنور و کلب دانسته می شود که عذره انصراف به غائط انسان دارد چون ممکن است برخی فکر کنند که به سنور و کلب عذره گفته نمی شود فکر درستی است و لذا باید بیان بیاورد من کلب ؛ پس ثابت شد منظور از حیوان نجاست خوار از نظر روایات آن حیوانی است که از عذره انسان بخورد فقط

إن قلت :روایت موسی بن اکیل مرسله است

قلت : اکثر فقها به این روایت عمل کرده اند و عمل اکثر فقها ارسال را جبران می کند ضمن اینکه جلسه قبل روایات مسند هم نقل شد منتها سوال برای صدر حدیث باقی است که آیا گوسفند بعد ار خوردن بول ذبخ شود شستن گوشت واجب یا مستحب است ؟

مثل ابن ادریس نه واجب و نه مستحب می داند بلکه خوردن آن را مکروه می داند لذا عبارت یغسل ما فی جوفها از نظر بسیاری از فقها دلالت بر استحباب می کند و برخی از فقها حکم به وجوب داده اند و این باید در جایی دیگر بحث شود

امر چهارم : تفسیر استبراء است ، مرحوم سید در متن عروه نوشت که مراد فقها از آن این است که حیوان نجاست خوار را از خوردن عذره انسان مانع شوند و علف پاک به او بدهند به طوری که نام نجاست خوار از او برداشته شود ، این تفسیر در صورتی درست است که ما برای حدوث جلل و تحقق نجاستخوار مدت قائل نباشیم ، هم روایات و هم اکثر فتاوای فقها عاری از مدت است

اقوال فقها در صدق اسم جلّاله بر حیوان نجاستخوار :

قول اول : که اگر حیوانی یک شبانه روز عذره بخورد نجاستخوار می شود نظیر مساله رضاع که اگر بچه ای یک شبانه روز از زنی شیر بخورد آن شیر دهنده مادر رضاعی می شود

قول دوم : به حدی نجاست بخورد که بدنش رشد کند و جزیی از بدن او شود

قول سوم : به حدی بخورد که گوشت و پوستش بوی تعفن بدهد لذا تفسیر استبراء به بیان سید مبتنی بر این است که ما این سه نظریه را نپذیریم

قول چهارم و مشهور فقها : که مدت قرار نداده اند بلکه گفته اند نجاستخوار به حیوانی میدگویند که فقط عذره انسان می خورد و میلی به علوفه و.... ندارد و فرقی نمی کند یک شبانه روز باشد یا بدنش رشد کند با خوردن عذره و .... حال بر اساس قول مشهور استبراء مدت ندارد بلکه استبراء حیوان آن است که انقدر حیوان را از خوردن باز دارید که عادتش عوض شود وقتی تبدل موضوع شد استبراء حاصل می شود پس حکم به حرمت و حلیت و طهارت و نجاست جلّال مبتنی بر این است که حدوثا و بقاءا جلّال هست یا نه ؟